

پرسش ۲۱۷: چرا خداوند ما را عذاب می کند و دلیل برانگیخته شدن بعد از مرگ چیست؟

السؤال / ۲۱۷ : السلام عليكم

لماذا لا يظهر صاحب الزمان في شريط فيديو بذلك يطمئن محبيه وتقام الحجة على المنكرين ولا يُعرف مكانه؟ ما هو ذنب من لم يصله القرآن؟
كيف يعذبنا الله وهو الرحمن الرحيم على ذنب محدود في الزمن. بعذاب لا محدود في الأبد (النار خالدين فيها أبداً)؟
ما الدليل على أن الإنسان له روح وأنه يبعث بعد موت وأنه ليس مجرد الجسد الذي ينتهي إلى تراب؟

المرسل: Fouad

سلام عليكم

چرا صاحب الزمان در برنامه ی ویدیویی ظاهر نمی شود تا دوست دارانش مطمئن شوند و حجت بر منکران اقامه گردد؟ چرا مکانش مشخص نیست؟ گناه کسی که قرآن به او نرسیده است چیست؟ چگونه خدا برای گناه محدود ما را با عذابی نامحدود، تا ابد عذاب می دهد در حالی که او رحمان و رحیم است؟ « آتشی که تا ابد در آن جاودانه اند».

دلیل بر این که انسان، روح دارد و پس از مرگ برانگیخته می شود و تنها یک جسم نیست که در انتها به خاک پیوندد، چیست؟

فرستنده: Fouad

الجواب:

ج س ۱: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

و هل تعتقد أنّ فقط خروج شخص بشريط فيديو وقوله أنه المهدي ينهي كل شيء و تصدقه الناس ويؤمن المنكرون للمهدي بالمهدي ؟؟؟!! هل قرأت القرآن؟؟ و هل سمعت بنبي اسمه نوح، و هل تعلم كم دعى قومه، و هل تعلم كم منهم آمن به؟؟ و هل سمعت بإبراهيم و موسى و عيسى و محمد(ص)، و هل تعلم كم عانوا من الناس الذين طمسوا بصائرهم في المادة و هذه الحياة الدنيا؟؟؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

جواب سوال ۱: آیا به نظر شما صرف خروج یک شخص با نوار ویدیویی و این که بگوید «من مهدی هستم» جلوی همه‌ی انکارها را می‌گیرد و مردم او را تصدیق می‌کنند و منکران به مهدی، به او ایمان می‌آورند؟؟!! آیا قرآن خوانده‌ای؟ آیا نام نبی‌ای به نام نوح به گوشت خورده است؟ و آیا می‌دانی چقدر قومش را دعوت کرد؟ و آیا میدانی چند نفر از آنها به او ایمان آوردند؟ و آیا نام موسی(ع) و عیسی(ع) و محمد(ص) را شنیده‌ای؟ و آیا می‌دانی چقدر از مردمی که بصیرت خود را در این عالم مادی و در این حیات دنیوی، تباه کرده بودند، یاری خواستند؟

ج س ۲: أنت تقصد ما هو ذنب من لم يصله القرآن ومات كافراً بنبوّة محمد(ص)....، وهذا الأمر قد بينته في أحد الكتب، وهو إضاعات من دعوات المرسلين، وأنقل لك بعض الأسطر من هذا الكتاب:

جواب سوال ۲: منظور شما گناه کسی است که که قرآن به او نرسیده و کافر به نبوت محمد(ص) مرده است، چیست....؟ این موضوع را در یکی از کتاب‌ها بیان نمودم که کتاب «روشنگرهایی از دعوت‌های فرستادگان» می‌باشد؛ چند سطر از این کتاب را برای شما نقل می‌کنم:

(إضاءة من فاتحة سورة يوسف:

قال تعالى: (إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ * قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) ([15]).

«روشنگری از شروع سوره یوسف:

«آنگاه که یوسف به پدرش خود گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم؛ دیدم که سجده‌ام می‌کنند * گفت: ای پسر کوچکم، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن، که تو راحیله‌ای می‌اندیشند؛ زیرا شیطان آدمیان را دشمنی آشکار است * و به این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و تأویل خواب‌ها را به تو می‌آموزد و همچنان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می‌کند، که پروردگارت دانا و حکیم است» ([16]).

في هذه الآيات تفتتح مسيرة يوسف (ع) إلى الله، إنها تذكير من الله العليم الحكيم ليوسف (ع) بحقيقته التي ارتقاها في عالم الذر وغفل عنها بسبب حجاب الجسد لما خلقه الله وأنزله إلى هذا العالم الظلماني (عالم الأجسام).

در این آیات، مسیر یوسف (ع) به سمت خدا آشکار می‌گردد. این مسیر بیانی از طرف خدای دانا و حکیم برای یوسف (ع) به حقیقت ارتقای او در عالم ذر است. حقیقتی که هنگامی که خداوند او را خلق نمود، به دلیل وجود حجاب «جسم»، یوسف (ع) از آن غفلت نمود و خداوند، او را به این عالم ظلمانی (عالم اجسام) فرو فرستاد.

قال تعالى: (وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ) ([17])، أي إنكم كنتم في عالم الذر مخلوقين وأمتحنكم الله: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

عَنْ هَذَا غَافِلِينَ * أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ) ([18]).

خدای متعال می فرماید: « و شما از آفرینش نخست آگاه شدید، پس چرا به یادش نمی آورید؟ » ([19]) ؛ یعنی شما در عالم ذر آفریده شدید و خدا شما را امتحان نمود: « و آنگاه که پروردگارت از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی خبر بودیم * یا نگویید که فقط پدران ما پیش از این مشرک بودند و ما نسلی بودیم بعد از آنها؛ آیا به سبب کاری که گمراهان کرده بودند ما را به هلاکت می رسانی؟ » ([20]).

وهذه الآية فيها رد على من يقول ما ذنب من لم يصل إليه الإسلام ولم يبلغ برسالات السماء كمن عاش في مجاهل أفريقيا أو في أطراف الأرض أو في أرض بعيدة عن أرض المرسلين (ع)، والرد أن الآية الأولى تثبت أن الناس تم امتحانهم وكل أخذ مقامه وتبين حاله واستحقاقه، والآية الثانية تبين أنهم غير معذورين باتباع ضلال آبائهم في هذه الأرض أو أنهم عاشوا في أرض لم يطأها نبي ولم يصل لها الحق ولم يبلغهم به أحد؛ لأن الله يقول لهم إنني امتحنتكم في عالم الذر وعلمت حالكم واستحقاقكم، فلا تقولوا: (إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ)، أي: إن الله يقول لهم أنا أعلم أنه لو جاءكم الأنبياء والأوصياء والمرسلون وبلغكم برسالات السماء المبلغون لما آمنتم ولما صدقتهم، (وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ) ([21])، أما من يقول فلماذا لم يسووا مع الكفار في أرض الرسالات في إيصال البلاغ؟ فالرد إن تبليغ هؤلاء فضل على من لا يقبل الفضل ولا يستحقه، وأنت تعلم علماً مسبقاً أنه لا يقبله يقيناً فعرضه عليه تحصيل حاصل وبالتالي فلا يضر أن تعرضه على بعضهم لبيان أن الباقي كهؤلاء الذين عرض عليهم الحق فلم يقبلوه، فالعرض على بعضهم لإتمام الحجة، وإنه لا عذر لمن يقول: (إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ)؛ لأن نظرائهم عرض عليهم الحق فاخترتوا ضلال آبائهم على هدى المرسلين: (وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ) ([22])، بل جعلوا ضلال آبائهم

هو الهدى والحق: (بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ) [23].

در این آیه جواب کسی که می‌گوید «گناه آن کس که اسلام و رسالت‌های آسمانی به او نرسیده است، چیست؟» -مانند کسی که در میان نادانان آفریقا یا در اقصا نقاط زمین یا در مناطقی دور از منطقه‌ی مرسلین (ع) زندگی می‌کند- وجود دارد؛ آیه‌ی اول اثبات می‌کند که مردم امتحانشان را به پایان رسانیدند و هر کس مقام خویش را دریافت نمود و وضعیت و میزان استحقاقش مشخص گردید. آیه‌ی دوم بیان می‌کند که آنان هیچ عذری در پیروی از گمراهی پدرانشان در این زمین ندارند و یا این که در زمینی می‌زیستند که نبی‌ای بر آن گام ننهاده و حق به آن نرسید و کسی حق را به آنها ابلاغ نکرد، ندارند؛ زیرا خداوند می‌فرماید که من شما را در عالم ذر امتحان کردم و حالتان و استحقاقاتان را دانستم پس نگویند: «فقط پدران ما پیش از این مشرک بودند و ما نسلی بودیم بعد از آنها؛ آیا به سبب کاری که گمراهان کرده بودند ما را به هلاکت می‌رسانی؟»؛ یعنی خداوند به آنها می‌گوید: من می‌دانم که اگر انبیا و اوصیا و فرستادگان هم به سوی شما می‌آمدند و رسالت‌های آسمان را به شما می‌رساندند، باز هم ایمان نمی‌آوردید و تصدیق نمی‌کردید: «و اگر خدا خیری در آنان می‌یافت شنوایشان می‌ساخت؛ و اگر هم آنان را شنوا ساخته بود باز هم روی برمی‌تافتند و روی گردان می‌شدند» [24]. اما کسی که بگوید چرا آنها با کافرانی که در سرزمین رسالت زندگی می‌کنند، در رسیدن و تبلیغ رسالت برابر نیستند؟ پاسخ به این صورت است که رساندن حق به این افراد، فضیلتی است بر کسی که فضیلت را نمی‌پذیرد و شایستگی آن را ندارد در حالی که از پیش میدانی که او یقیناً نمی‌پذیرد؛ پس عرضه‌ی آن بر او، نتیجه‌اش مشخص است. در نتیجه، این که دعوت حق را به بعضی از آنان برسانی تا بیان شود که بقیه‌ی آنها مانند کسانی هستند که حق بر آنها عرضه شد و آن را نپذیرفتند، هیچ ضرری ندارد. عرضه‌ی حق بر بعضی، برای اتمام حجت است؛ پس

عذری برای کسی نمی ماند تا بگوید: «إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ»؛ زیرا حق بر افراد شبیه به آنها عرضه شد و آنها گمراهی پدرانشان را بر هدایت فرستادگان برگزیدند: «به این ترتیب، پیش از تو، به هیچ قریبه‌ای بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه متنعمانش گفتند: پدرانمان آیینی داشتند و ما به اعمال آنها اقتدا می‌کنیم» ([25]). حتی گمراهی پدرانشان را هدایت و حق قرار دادند: «نه، حتی می‌گویند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و از مسیر آنها هدایت می‌جوییم» ([26]).

ج س ۳: أولاً: لابد أن تعرف ما هو العذاب ثم لك بعدها أن تختار الاعتراض من عدمه:

جواب سوال ۳: اولاً باید معنی عذاب را بشناسی و پس از آن می‌توانی بر لزوم عدم وجود آن، اعتراض کنی!

اقرأ هذه الآية: (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) ([27]).

این آیه را بخوان: «تو از این غافل بودی. ما پرده از برابرت برداشتیم و امروز چشمانت، تیزبین شده است» ([28]).

واعلم أنّ العذاب ما هو إلا كشف الحقيقة للإنسان وتركه وما اختار هو بنفسه، فمن اختار هذه الأرض وهذه الدنيا فقط سيكتشف اختياره، سيكشف عنه الغطاء ليرى الحقائق كما هي فيرى كل حاسد وهو عقرب يحيط به وكل شهوة محرمة أنفذا صديد ومقامع من حديد قيد - هو وليس أحد غيره - نفسه بها، إنّ هذه الأرض شفير جهنم ولكنكم لا تعلمون، بل وتعتقدون أنها جنة الخلد ولهذا تتلهفون على امتلاك واقتناء أكثر ما يمكن اقتناءه منها.

باید بدانی که عذاب، چیزی جز آشکار شدن حقیقت برای انسان و ترک آن و آنچه خودش برای خودش برگزیده است، نیست. کسی که فقط این زمین و این دنیا را برگزیند، آنچه برگزیده است برایش نمایان خواهد شد؛ پرده از برابرش کنار خواهد رفت تا حقایق را آنگونه که هست، ببیند؛ ببیند هر حسودی که بر کنارش هست، همچون عقربی او را احاطه کرده است و هر شهوت حرام که انجام دهد، چرک‌آبه و شمشیری از آهن است که خودش و نه کس دیگر بر جان خویش فرو می‌کند. این زمین، پرتگاه دوزخ است ولی شما نمی‌دانید؛ حتی اعتقاد دارید که بهشت جاودانه است و به همین دلیل بر مُلک و مقام آن و جمع‌آوری بیش از آنچه در این دنیا ممکن است، حرص می‌ورزید.

إِنَّ فِيهِ لَعَدْلًا أَعْظَمَ مِنْ عَدْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ فَهُوَ لَنْ يَفْعَلَٰ شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ لَكُمْ، بَلْ فَقَطْ سَيَحْقُقُ لَكُمْ اخْتِيَارَكُمْ، فَمَنْ اخْتَارَ هَذِهِ الْأَرْضَ أَوْ أَشَدَّ مِنْهَا مَادِيَةً سَيَبْقَىٰ فِيهَا أَوْ يَنْقَلُ إِلَىٰ طَبَقَاتٍ أَسْفَلَ مِنْهَا فِي جَهَنَّمَ وَهَذَا هُوَ اخْتِيَارُهُ، فَقَطْ مَا سَيَفْعَلُهُ اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ غَطَاءَ الْإِنْسَانِ لِيَرَىٰ الْحَقِيقَةَ وَيَرَىٰ وَيَعْرِفَ اخْتِيَارَهُ، وَأَيْضًا حَتَّىٰ كَشَفَ الْغَطَاءَ هُوَ مِنْ لَوَازِمِ تَقَدُّمِ الْفَلَكَ الْأَعْظَمِ بِاتِّجَاهِ الْآخِرَةِ.

حال، آیا عدالتی بالاتر از عدالت خدای سبحان و متعال سراغ دارید؟ او هرگز ذره‌ای شرّ به شما نمی‌رساند بلکه آنچه را برگزیدید، محقق می‌سازد. بنابراین کسی که این زمین یا چیزی مادی‌تر از آن را برگزیند، در آن باقی خواهد ماند یا به طبقات پایین‌تر از آن در جهنم منتقل می‌شود و این، همان اختیار او است؛ تنها چیزی که خداوند در مورد او انجام خواهد داد آن است که پرده را از جلوی دیدگانش بردارد تا حقیقت را ببیند و آنچه را برگزیده است، ببیند و بشناسد. به علاوه برداشتن پرده، از ضروریات روکردن فلک اعظم به سوی آخرت نیز می‌باشد.

إِنَّ فَالْعَذَابَ لَيْسَ فِي حَقِيقَتِهِ إِلَّا اخْتِيَارُكُمْ أَنْتُمْ، وَقَدْ حَذَّرَكُمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى مِنْ هَذَا الْاِخْتِيَارِ وَلَكِنْكُمْ لَا تَحِبُّونَ النَّاصِحِينَ.

بنابراین عذاب، در حقیقت چیزی جز آنچه شما برگزیدید، نمی‌باشد و خدای سبحان و متعال شما را از این گزینش برحذر داشته است؛ ولی شما نصیحت‌کنندگان را دوست نمی‌دارید.

ج س ۴: إِذَا ثَبِتَ عِنْدَكَ اللَّهُ ثَبِتَ عِنْدَكَ مَا أَخْبَرْنَا بِهِ، وَإِنْ كُنْتَ كَافِرًا بِاللَّهِ فَأَخْبَرْنَا لَنُثَبِتَ لَكَ وَجُودَهُ مَعَ أَنِّي أَقُولُ عَمِيَّتَ عَيْنٍ لَا تَرَاهُ سُبْحَانَهُ.

أحمد الحسن

جواب سوال ۴: اگر خدا برای اثبات شده باشد، آنچه را ما از آن خبر دادیم، برای اثبات می‌شود و اگر به خدا کافر باشی، به ما خبر بده تا وجودش را برای اثبات کنیم؛ با اینکه می‌گوییم: کور باد چشمی که آن ذات سبحان را نبیند!

احمد الحسن



[15] - یوسف: 4 - 6.

[16] - یوسف: 4 تا 6.

[17] - الواقعة: 62.

[18] - الاعراف: 172 - 173.

[19] - واقعه: 62.

[20] - اعراف: 172 و 173.

[21] - الانفال: 23.

[22] - الزخرف: 23.

[23] - الزخرف: 22.

[24] - انفال: 23.

[25] - زخرف: 23.

[26] - زخرف: 22.

[27] - ق: 22.

[28] - ق: 22.